

حریم خصوصی معنوی افراد در فقه امامیه و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

sajjadshahbaz@lit.sku.ac.ir

سجاد شهباز قهرخی / مربی دانشگاه شهرکرد

دریافت: ۱۳۹۴/۲/۷ - پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۲

چکیده

حریم خصوصی معنوی افراد، آن بخش از اعمال و ویژگی‌های هر شخص است که ناظر بر شخصیت و هویت اوست که برای عموم آشکار نبوده، وی نیز تمایل به افشای آن نداشته و در صورت افشا، شخصیت او آسیب می‌بیند. اشخاص هیچ‌گونه ورود و نظارت دیگران بر این قلمرو را بر نمی‌تابند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. این مفهوم، تاکنون در حقوق اسلامی و حقوق ایران به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته است. قانونگذار ایرانی، با عنایت به بی سابقه بودن این سازه در فقه و حقوق ایران، به صورت ناقصی صرفاً به حمایت از برخی مصادیق این حق در قانون اساسی و برخی قوانین عادی پرداخته است. این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر فقهی و حقوقی ایران، به بررسی چگونگی حمایت از حریم خصوصی معنوی اشخاص در فقه امامیه و حقوق اساسی ایران و طرح حمایت از حریم خصوصی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، حریم خصوصی معنوی، شخصیت، حریم خصوصی جنسی، حیثیت و آبرو.

مقدمه

با زایش تفکر سیاسی مدرن در قرون هیجدهم و نوزدهم و ظهور جریان‌های لیبرال و فردگرا، حقوق و آزادی‌های فردی به عنوان بخش عمده‌ای از مطالبات شهروندان مطرح شد، به گونه‌ای که عدم دخالت در زندگی خصوصی شهروندان از سوی دولت‌ها، مهم‌ترین مشخصه یک دولت لیبرال مطرح شد. تا پیش از سال ۱۸۹۰م، مفاهیمی همچون افتراء، افشای اسرار شغلی و مصونیت مسکن و حق مالکیت تا حدود زیادی در قلمرو حریم خصوصی قرار داشت. اما نخستین بار در سال ۱۸۹۰ میلادی، حریم خصوصی به عنوان یک مفهوم حقوقی در مجله حقوقی هاروارد در مقاله‌ای با عنوان «حق تمتع از خلوت»، توسط دو آمریکایی به نام‌های ساموئل وارن (Samuel Waren) و لوئیس براندیس (Louis Brandeis) مطرح گردید (www.lawrence.edu/waren, brandies). این حق در قوانین اساسی یا عادی بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸م.) نیز به رسمیت شناخته شد.

علی‌رغم وجود این حق در فقه امامیه، اما به صورت خاص، مدون و مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. هرچند فقهای امامیه در بسیاری موارد و در ابواب مختلف فقهی به تناسب بحث، به حمایت از مصادیق حریم خصوصی پرداخته‌اند. لازم به یادآوری است بسیاری از مواردی که به عنوان مصادیق حریم خصوصی طرح می‌شود، در علم اخلاق اسلامی مورد حمایت قرار گرفته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز عنوان «حریم خصوصی» استفاده نشده است و صرفاً برخی از مهم‌ترین مصادیق این حق مورد حمایت قرار گرفته است. این مقاله، با رویکرد تحلیلی توصیفی، به تحلیل مفهوم «حریم خصوصی معنوی» به عنوان یکی از مصادیق حریم خصوصی و چگونگی حمایت حقوق اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از آن می‌پردازد.

شناسایی حریم خصوصی

مفهوم حریم خصوصی

«حریم» در لغت عرب از ریشه «ح_ر_م» به دو صورت مفرد و مرکب استعمال شده است: به صورت مفرد، به معنای شریک (فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۳)، دوست و چیزی که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۷۸) و به صورت مرکب، گاه به مال و گاه به انسان اضافه می‌شود. در صورت اضافه به مال، به معنای «اطراف و پیرامون» آمده است. همانند «حریم خانه» که به زمین اطراف آن گفته می‌شود. در صورت اضافه به انسان، به معنای چیزی است که باید از آن

دفاع کرد و به خاطر آن جنگید (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۸). دهخدا «چیزی که آن را حمایت کنند و جنگ کنند بر آن» را حریم دانسته است (دهخدا، ۱۳۳۸، ص ۶۳).

حریم در فقه نیز به معنای منع است؛ یعنی چیزی که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۲۸۵). منظور از «حریم» در این مقاله، حریم انسان است، نه حریم مال. حریم، محدوده ممنوعه‌ای است که ورود به آن، واکنش شخص را به دنبال دارد. برای واژه «خصوصی» در زبان عرب، از واژه «الخاصه» استفاده می‌شود که به معنای «ویژه» و «اختصاصی» است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۱). جلسه خصوصی، به جلساتی گفته می‌شود که غیر از اعضای تشکیل‌دهنده آن، کسی دیگر در آن حضور ندارد. مقابل آن جلسه عمومی است (دهخدا، ۱۳۳۸، ص ۵۲۳). بنابراین می‌توان گفت: «خصوصی بودن» به معنای «به کسی مربوط نبودن» است. برای بیان مفهوم «حق حریم خصوصی»، از تعبیر حق خلوت نیز استفاده شده است. «خلوت» در لغت فارسی به معنای تنهایی گزیدن، انزوا، تنها نشستن، جای خالی از اغیار و جای آسایش آمده است (معین، ۱۳۲۴، ص ۲۳۹). خلوت را جایی می‌دانند که در آن، جز نزدیکان و محرمان، کس دیگری حق حضور ندارد (دهخدا، ۱۳۳۸، ص ۵۳۶). خلوت و حیطة خصوصی در انگلیسی معادل (privacy) است (در زبان فرانسه خلوت و حریم خصوصی را *La vieprivee* می‌گویند) که در فرهنگ لغت آکسفورد معنای «موقعیت تنها بودن یا بدون مزاحم» و «آزادی از مداخله یا نظارت و توجه عمومی» برای آن بیان شده است.

با روشن شدن دو مفهوم «حریم» و «خصوصی»، به تعریف «حریم خصوصی» می‌پردازیم. اما اولین تعریفی که از سوی پژوهشگران حقوق برای حریم خصوصی مطرح شده است، تعریف دو تن از قضات دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا، به نام‌های *ساموئل وارن* و *لوئیس براندیس* است. آنها حریم خصوصی را «حق افراد برای تنها بودن» تعریف کرده‌اند (www.lawrence.edu/brandies_waren_and_Louis). ایشان از حق خلوت، به عنوان یک اصل نام می‌برند که نوشته‌ها، آثار معنوی، افکار و احساسات شخص را محافظت کرده، حق داشتن یک چارچوب بدون دخالت را به افراد بشر می‌دهد تا اظهارات، گفته‌ها و اعمال آنان در این چارچوب مشخص، مصون از تعرض باقی مانده و مورد حمایت قانون قرار گیرد. برخی حقوق دانان، با شناسایی عناصر محرمانه بودن، ناشناس بودن و تنهایی به عنوان ارکان حریم خصوصی، معتقدند: «حریم خصوصی قلمروی از زندگی یک فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی، به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته

باشند» (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۳۴). در این تعریف، واژه «قلمرو»، ممکن است ویژگی‌ها و مختصات فردی رفتاری یا روحی اشخاص را شامل نشود. به عبارت دیگر، تعریف ایشان اگرچه مختصر است، اما جامع تمامی افراد و مصادیق نیست. به نظر می‌رسد، حریم خصوصی عبارت است از: قلمرو و محدوده‌ای از اعمال و ویژگی‌های هر شخص، که برای عموم آشکار نبوده و در ابتدا به فرد معینی اختصاص دارد. وی نیز تمایل به افشای آن ندارد. اشخاص هیچ‌گونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر، واکنش نشان می‌دهند.

با عنایت به مفهوم «حریم خصوصی»، باید به شناسایی معیاری برای شناخت آن دست یافت.

معیار مصداق‌انگاری حریم خصوصی

یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به حریم خصوصی و حق خلوت، این است که بر اساس چه معیاری می‌توان چیزی را به عنوان مصداق آن شناخت؟ به عبارت دیگر، مفهوم حق حریم خصوصی، ممکن است موسع تفسیر شود، به نحوی که یکی از نویسندگان در این زمینه، می‌نویسد: «تمامی موارد حقوق بشر، جنبه‌ها و ابعادی از حریم خصوصی هستند» (فرناندو، ۱۹۸۱، ص ۸) و یا اینکه آن را بسیار مضیق تفسیر نمود.

در فرهنگ اسلامی، گستره مفهومی «حریم خصوصی» بسیار گسترده‌تر از آن است که بتوان با معیارهایی همچون معیار عرفی (این معیار را جودیس و سیو نیز پیشنهاد داده است: Decew, 1998, p.10-15)، یا معیار توقع متعارف و منطقی (www.Law.Cornell.Edu/supct/html/historics/USSC_CR_0389_0347_ZO.html) از آن حمایت نمود. از این رو، باید در رایاه معیار مصداق‌انگاری حریم خصوصی، با توجه به فرهنگ و حقوق اسلامی، این مفهوم را تبیین نمود. بهترین مرجع برای تمیز امر خصوصی از غیر خصوصی «خود فرد» است. به عبارت دیگر، هر فرد با توجه به شرایط و احوال بسیار متنوع پیرامون خود، بهترین کسی است که می‌تواند بخشی از امور زندگی خود را تحت عنوان «امور خصوصی» از دیگر امور خود جدا کند. در عین حال، امور خصوصی در کنار امور غیر خصوصی، معنا پیدا می‌کند. امور غیر خصوصی، اموری هستند که افراد از در اختیار سایرین قراردادن آنها ابایی ندارند. مهم‌ترین عاملی که می‌تواند مرز میان امر خصوصی و غیر خصوصی را مشخص کند، رضایت فرد است که در کمال صحت اراده و آگاهی از اوضاع پیرامونی اعلام شده باشد. برخی امور، در تعامل با نزدیکان شخص سوژه ممکن است اساساً خصوصی محسوب نشوند. وجود مقوله‌هایی همچون حرمت تجسس، حرمت غیبت، ممنوعیت افشاء سر، حرمت ایداء مؤمن، ممنوعیت نظاره کردن به منزل افراد و بسیاری

از گزاره‌های فقهی دیگر، در گفتمان شیعی موجب می‌شود تا در نگاه خود، معیار را به گونه‌ای ترسیم کنیم که حداکثر حمایت از حریم خصوصی افراد به عمل آید. هرگونه جست‌وجو و تفتیش و جمع‌آوری اطلاعات، راجع به غیر و یا بیان و افشای آنها در فقه امامیه، نقض حریم خصوصی اشخاص محسوب می‌شود و ممکن است به تناسب، ذیل عناوین سستی همچون تجسس، غیبت، افشای سر و یا ایذاء مؤمن واقع گردد. به عبارت دیگر، معیار مورد پذیرش در فقه امامیه، برای مصداق‌انگاری حریم خصوصی، معیار و ضابطه شخصی می‌باشد؛ بدین بیان که هر انسانی می‌تواند برخی حیطه‌های زندگی خود را، که علاقه به افشای آنها ندارد، جز مسائل شخصی و داخل قلمرو حریم خصوصی خود اعلام نماید. شارع نیز حداکثر حمایت خود را از حریم خصوصی بیان کرده است. در منظومه فکری‌ای که حتی سوءظن به دیگران نیز تقبیح شده است، تفتیش و تفحص از احوال و گذشته دیگران، ممنوع است (کدیور، بی‌تا).

از ادله خاصه‌ای که می‌توان بر «شخصی بودن معیار شناسایی حریم خصوصی» اقامه نمود، روایتی از پیامبر اعظم ﷺ توسط شیخ انصاری نقل شده است، که فرمود: «أندرون ما الغیبة؟ قالوا: اللّٰه و رسوله أعلم؛ قال: ذکرک أحماک بما یکره» (ورام بن ابي فراس، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۶؛ عاملی، ۱۳۹۰ق، ص ۵۲؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۲۲). محقق کرکی نیز با استناد به همین روایت، می‌نویسد: «ان حقیقة الغیبة علی ما فی الأخبار أن تقول فی أخیک ما یکرهه مما هو فیہ» (عاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷). اگرچه تمامی موارد نقض حریم خصوصی مشمول عنوان غیبت نمی‌باشند، اما به انضمام سایر ادله عام، می‌توان از این معیار دفاع نمود.

ارائه «معیار شخصی» مربوط به مرحله ثبوتی می‌باشد. به نظر می‌رسد، اثبات ادعای نقض حریم خصوصی، اگرچه با پذیرش این معیار مشکل خواهد شد، اما اشکالی به اصل نظر وارد نیست و در مقام اثبات وظیفه قاضی رسیدگی‌کننده به ادعا، سخت خواهد شد. این مشکل نیز با لحاظ اوضاع و احوال و شأنیت فرد مورد تعرض و همچنین لحاظ خصوصیات فکری، روحی و جایگاه اجتماعی و مصداق مورد تعرض و یا داده منتشره‌شده از شخص بزه دیده و در نهایت، قاعده «مالایعلم الا من قبله لایقبل الا بیمنه» (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۱۷) حل خواهد شد.

لازم به یادآوری است روایاتی که دال بر جواز تجسس و یا غیبت هستند، ناظر بر موردی است که تجسس و یا بیان غیبت، برای رعایت مصلحت بزرگتری لازم باشد. چنانچه در صحیحه ابن ابی‌یعفور، حرمت تفتیش مقید به این شده است که خود شخص، سائر باشد: «قال: قلت لابی عبدالله ﷺ: بما تعرف

عداله الرجل بین المسلمین حتی تقبل شهادته لهم و علیهم؟ فقال ﷺ: ان تعرفوه بالستر و العفاف و...؛ و الدلاله علی ذلك كله ان يكون ساتراً لجميع عيوبه حتى يحرم علی المسلمین تفتیش ما وراء ذلك من عثراته و عيوبه....» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸). *ابن ابی یعفور* می گوید: به امام صادق ﷺ عرض کردم: چگونه عدالت فردی در بین مسلمانان شناخته می شود تا شهادت او له یا علیه آنها پذیرفته شود؟ حضرت فرمودند: آن را با ستر از عیوب و عفت وی و... تشخیص دهید و علامت همه اینها این است که همه عیوب خود را (اگر عیبی داشته باشد)، مخفی نگه دارد تا برای مسلمانان تفتیش آنچه از وی که ظاهر نیست، حرام گردد.

شیخ *انصاری* در این خصوص فرموده است: آنچه که در روایت صحیح *ابن ابی یعفور* پس از بیان تعریف عدالت آمده است، دلالت می کند که حرمت تفتیش در فرضی است که شخص، ساتر عیوب خویش باشد. ولی اگر اعمال خلاف را علناً انجام دهد و آنها را مخفی ننماید، تفتیش هم حرام نخواهد بود (*انصاری*، ۱۴۲۲ق، ص ۴۳۸). با توجه به این روایت و استدلال شیخ *انصاری*، یکی از محققان در نتیجه بحث خویش می نویسد: «تفتیش و تجسس در مورد اشخاصی که ساتر عیوب خویش نیستند، حرام نیست» (احمدی میانجی، بی تا). ظاهر این روایت، این است که تجسس در مورد اشخاصی که ستر و عفاف ندارند و اعمال خلاف شرع خود را علنی نموده و یا اعلان می کنند، حرام نیست. اما باید گفت که تفتیش و تجسس از عیوب (گناهان) آشکارای چنین شخصی، همان گونه که مورد سؤال *ابن ابی یعفور* بوده است، در صورتی جایز است که احراز عدالت او برای مصلحتی (مانند شهادت دادن) لازم باشد. این روایت را نباید به صورت مطلق تحلیل نمود؛ زیرا از عموم حرمت تجسس و غیبت آنچه به واسطه این روایات تخصیص خورده است، فقط جواز غیبت در مواردی است که برای امری مانند شهادت دادن به احراز عدالت نیاز وجود داشته باشد. در غیر این مورد، باید به عمومات حرمت تجسس و تفتیش و غیبت عمل نمود.

با توجه به معیار شخصی، در شناسایی مصادیق حریم خصوصی، باید به بررسی مصادیق حق بر حریم خصوصی معنوی پرداخت.

حریم خصوصی معنوی

یکی از مسائل حوزه حریم خصوصی، بحث در مورد مصادیق این حق است. به علت اختلاف نظرهای مبانی، تعاریف ارائه شده و سایر متغیرهای مؤثر همچون فرهنگ، مبانی سیاسی، دین و مذهب و...،

حقوق دانان در خصوص تعیین مصادیق این حق اختلاف نظرهایی دارند. این مقاله، با عنایت به ارتباط و نزدیکی مفهومی این مصادیق، حریم خصوصی معنوی به حریم خصوصی اطلاعاتی (شامل اطلاعات فردی و اطلاعات راجع به گذشته فرد) و حریم خصوصی شخصیتی (شامل حیثیت و آبرو، تفکرات و نظرات افراد، خصوصیات اخلاقی و سلیق فردی، حریم جنسی، حریم مراسم‌های شخصی) تقسیم شده است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: شهباز قهفرخی، ۱۳۹۲).

حریم خصوصی معنوی اشخاص، آن قسمت از قلمرو و محدوده‌ای از اعمال و ویژگی‌های هر شخص است که ناظر بر شخصیت و هویت شخص است و برای عموم آشکار نبوده، وی نیز تمایل به افشای آن نداشته و ممکن است در صورت افشا شخصیت او آسیب ببیند. اشخاص هیچ‌گونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر، واکنش نشان می‌دهند. هر امری را که افشای آن موجب از بین رفتن حیثیت و آبروی افراد شود، باید جز حریم خصوصی معنوی فرد دانست.

حریم خصوصی اطلاعاتی اطلاعات فردی

اطلاعات فردی اشخاص، جزء اطلاعاتی هستند که به هیچ کس ربط ندارد و عمومی نیستند. اطلاعات فردی مانند نام، نام خانوادگی، شهرت، شماره شناسنامه و کارت ملی، شماره حساب بانکی، محل تولد، محل سکونت، محل سکونت سابق، شغل فعلی و سابق اشخاص، میزان درآمد، منبع درآمدی و گردش مالی شخص را باید جزء بدیهی‌ترین اقسام حریم خصوصی دانست. جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات اشخاص، بدون اجازه‌ی ایشان حتی اگر مورد استفاده قرار نگیرد، به‌خودی‌خود، ناقض حریم شخصی افراد است؛ زیرا این کار فی‌نفسه موجبات تهدید و آزار روحی و نگرانی اشخاص را فراهم می‌کند. هریک از افراد جامعه، خواسته یا ناخواسته، داده‌های زیادی را در اختیار دولت، مؤسسات خصوصی و حتی اشخاص بیگانه قرار می‌دهند. ارائه این اطلاعات، به بهانه‌های گوناگون از جمله ارائه خدمات دولتی و عمومی، فروش اجناس و غیره صورت می‌پذیرد. ارائه این اطلاعات دارای دو تهدید جدی است: از یک‌سو، ممکن است داده‌هایی جمع‌آوری شود که ملازمه‌ای بین آنها و ارائه خدمات موردنظر وجود نداشته باشد و یا متصدی ارائه خدمات، اطلاعات اضافی جمع‌آوری نماید. از سوی دیگر، ممکن است داده‌های به‌دست آمده، مورد سوء استفاده قرار گیرد. امروزه، استفاده از اینترنت

امکان جمع‌آوری آسان اطلاعات فردی را بدون اطلاع ایشان فراهم کرد. برای نمونه، وقتی فردی از سایت اینترنتی خاصی خرید می‌کند، اطلاعات زیادی در مورد او با اطلاع و یا بدون اطلاع توسط فروشنده جمع‌آوری می‌شود و ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد.

بند ب ماده اول قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷، اطلاعات شخصی را شامل اطلاعات فردی نظیر نام و نام‌خانوادگی، نشانی محل سکونت و محل کار، وضعیت زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی، شماره حساب بانکی و رمز عبور دانسته است. اما تعریفی از اطلاعات فردی ارائه نکرده است. در این بند، در مورد نشانی محل سکونت قبلی شخص، موجودی حساب بانکی، نشانی ایمیل و سایر اطلاعاتی که عرف آنها را فردی تلقی می‌کند، صحبتی نشده است.

ماده دوم طرح حمایت از حریم خصوصی نیز در قالب تبصره‌ای، اطلاعات مربوط به نام و نام‌خانوادگی، نشانی محل سکونت و محل کار و شماره تلفن را از شمول تعریف خارج کرده است. به نظر می‌رسد، اطلاعات راجع به نام و نام‌خانوادگی، نشانی محل سکونت و محل کار و شماره تلفن، اگر چه جنبه عمومی دارد و ممکن است اشخاص نسبت به آنها حساس نباشند، اما در صورت اعلام شخص سوژه، مبنی بر عدم رضایت به افشای آنها، لازم است از افشای آنها خودداری شود. نمونه بارز اعمال این حق را می‌توان در کتاب‌های اطلاعات، که توسط شرکت مخابرات تهیه و توزیع می‌شود، یافت. لازم است مراکزی مانند شرکت مخابرات، که این قبیل اطلاعات افراد را در اختیار دارند، پیش از انتشار آنها، نسبت به کسب رضایت از صاحبان این اطلاعات اقدام کرده، و یا مقدمات حذف اطلاعات افراد را از این کتاب فراهم نماید. بدین ترتیب، اشخاص نسبت به میزان انتشار داده‌های راجع به خود کنترل داشته باشند.

اطلاعات راجع به گذشته فرد

انسان در گذر زمان و با کسب تجربیات زندگی و یا افزایش احساسات معنوی-دینی، دائماً در حال «شدن» و «تغییر کردن» است. چه‌بسا فردی در گذشته، زندگی زناشویی ناموفقی داشته و یا مجرمی که اعمال ناشایستی انجام داده و دارای سوابق کیفری سنگینی است، اما پس از تنبه دینی و یا تنبیه کیفری، دست از اعمال گذشته خود برداشته، زندگی آبرومندانه جدیدی را در پیش می‌گیرد. به‌طورکلی، آنچه مربوط به گذشته چنین فردی می‌باشد، حریم خصوصی او بوده و مستقیماً با کرامت و شخصیت اجتماعی او پیوند دارد و باید مورد احترام قرار گیرد. تعرض،

پی جویی، تفحص و تجسس در گذشته وی، نقض حرمت اوست. از سوی دیگر، افشای این گونه اطلاعات تحت عنوان غیبت ناشایست است.

آنچه از سوابق کیفری افراد در دادگستری بایگانی می‌شود، مستندترین و مهم‌ترین قسمت پیشینه افراد است. قانونگذار باید با وضع قوانین آمرانه و اجرایی، هرگونه بازخوانی اطلاعات راجع به گذشته افراد را ضابطه‌مند کند. در وضعیت فعلی حقوق کشورمان، هریک از طرفین یک دعوا به راحتی می‌توانند به بهانه مطالعه پرونده بایگانی شده برای استفاده در پرونده دیگر، به پرونده‌های بایگانی افراد دسترسی پیدا کرده، حتی از اوراق آن تصویر بردارند. مطالعه و اخذ تصویر از اوراق قضایی پرونده‌های بایگانی شده، اگرچه ممکن است در پرونده دیگر موجب احقاق حق گردد، اما با شیوه اجرایی کنونی ممکن است آسیب‌های جدی برای طرفین پرونده قبلی ایجاد کند. لازم است برای ضمانت عدم افشای آنها، قانونگذار چاره‌ای بیندیشد. اصل بیست و دوم قانون اساسی که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را مصون از تعرض معرفی کرده است، لزوم این چاره‌اندیشی را یادآور شده است.

حریم خصوصی شخصیتی حیثیت و آبرو

انسان دارای دو بعد مادی و معنوی می‌باشد. بعد مادی، مربوط به جسم و بعد معنوی، مربوط به حیثیت و آبروی اوست. در بسیاری موارد، افشای امور خصوصی افراد، آبرو و حیثیت آنها را به مخاطره می‌اندازد. انسان‌ها غالباً عیب‌ها و خطاهای خود را از دیگران پنهان می‌کنند. در بسیاری از موارد، همچون این خطاها در عالم خلوت و دور از انظار مردم واقع می‌شوند و عموماً به امور عمومی و اجتماعی ارتباطی ندارند. انسان‌ها در پنهان نمودن آنها از دیگران محق هستند. بنابراین، هر چیزی که افشای آن موجب از بین رفتن حیثیت و آبروی افراد شود، جزء حریم خصوصی معنوی فرد است. مفهوم «حریم خصوصی شخصیتی»، ممکن است با سایر مصادیق حریم خصوصی معنوی، هم‌پوشانی داشته باشند. به عنوان نمونه، افشای اطلاعات راجع به سوءسابقه افراد، علاوه بر اینکه نقض حریم خصوصی اطلاعاتی وی محسوب می‌شود، نقض حریم خصوصی شخصیتی می‌باشد.

فقه امامیه، به حفظ آبرو و حیثیت افراد توجه بسیار زیادی نموده است. فقه از طریق جرم‌انگاری و گناه‌انگاری اعمال ناقض حیثیت و آبروی افراد به این مهم توجه نموده است. سختگیری بیش از حد در اثبات جرایم منافی عفت، نمونه روشن چنین اهمی است. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، به تبعیت

از فقه امامیه، با تعیین مجازات برای توهین (ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی - کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، کذف (ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)، انتشار مطالب مشتمل بر فحش و نسبت‌های توهین‌آمیز (ماده ۳۰ قانون مطبوعات)، تهمت و انتشار اکاذیب (ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی - کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) و بهتان و افترا (ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی - کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، به حمایت از برخی مصادیق نقض حریم خصوصی شخصیتی همت گماشته است. ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، فقط اشخاص صاحب حرفه را مکلف به رازداری در اموری می‌کند که به مناسبت وظیفه خود، از آن اطلاع یافته‌اند و برای اشخاص عادی، که اسرار مردم را فاش می‌کنند، ضمانتی تعیین نکرده است. جرم نشر اکاذیب، موضوع ماده ۶۹۸ قانون پیشین نیز در صورتی قابل اعمال است که موضوع متشره کذب باشد. در غیر این صورت، صرف نشر اسرار اشخاص توسط افراد عادی، جرم نیست. در قوانین فعلی، امری جرم‌انگاری شده است که برخلاف واقع باشد، اما در فرضی که امر متشره، مطابق واقع باشد و مشمول عنوان توهین نشود، هرچند با انتشار آن حیثیت و آبروی فرد سوژه از بین رفته باشد، هیچ‌گونه حمایتی وجود ندارد. چنین فردی فقط می‌تواند به استناد مواد ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، مطالبه ضرر و زیان معنوی کند. ولی از جهت کیفری، نمی‌تواند آن را پیگیری کند. از سوی دیگر، حریم خصوصی شخصیتی اشخاص انسانی، دارای چنان اهمیتی است که لازم است حتی تعرض بدون افشای آن نیز مورد تقبیح قانونی قرار گیرد. افشای اسرار افراد نیز ناقض حیثیت و آبرو ایشان است. افشای سر در ادبیات فقهی شیعه، به شدت تقبیح شده است. روایات دال بر مذمت افشای سر، افشای سر را خیانت دانسته است: قال النبی ﷺ: «إذاعة سر أودعته غدر» (تمیمی آمدی، ۱۰۴۱ق، ص ۳۲۲). و «من أقبح الغدر إذاعة السر» (همان، ص ۳۲۳). پیامبر ﷺ فرمود: افشای سر، بزرگ‌ترین حيله و نیرنگ است.

این کلام از پیامبر اکرم ﷺ، نشانگر حساسیت فوق‌العاده اسلام نسبت به رعایت حریم خصوصی شخصیتی افراد است؛ زیرا چه بسا با افشای یک سر از شخص، وی آبرو و حیثیت خود را از دست دهد و کرامت و منزلت وی در جامعه مخدوش گردد.

ماده ۱۴ قانون انتشار و دسترسی به اطلاعات، بدون ارائه تعریف از حریم خصوصی، در اختیار قرار دادن اطلاعات مربوط به حریم خصوصی اشخاص را به اشخاص متقاضی ممنوع اعلام کرده است. طرح حمایت از حریم خصوصی، در بند چهارم ماده ۲، اطلاعات شخصی را این‌گونه تعریف کرده

است: «اطلاعات وابسته به شخصیت افراد نظیر وضعیت زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی، و شماره کارت‌های اعتباری و شماره حساب‌های بانکی...» البته به نظر می‌رسد، لازم است تغییر جدی در این ماده اعمال گردد. اطلاعاتی نظیر وضعیت زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی، را باید جزو حریم خصوصی شخصیتی تلقی نمود؛ زیرا با اطلاع یافتن و یا افشای این دسته اطلاعات، شخصیت و هویت شخص مستقیماً مورد تعرض قرار می‌گیرد و نیازمند حمایت بیشتری هستند. باید اطلاعاتی نظیر شماره کارت‌های اعتباری و شماره حساب‌های بانکی و... را جزء اطلاعات فردی تلقی کرد.

تفکرات و نظرات افراد

تفکر و اندیشه، موجب رشد حیات معنوی و شخصیت انسانی افراد است و آدمی را از سایر موجودات متمایز می‌سازد. تفکر و تعقل بشر، وی را به اعتقاداتی سوق می‌دهد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: ۲۹)؛ بگو این حق است از سوی پروردگارتان، هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر شود.

بر این اساس، آزادی عقیده را باید از حکمت‌های خداوند دانست که حتی پیامبران نیز حق تحمیل آن را به دیگران ندارد «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ۗ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (غاشیه: ۲۱ و ۲۲) و مسلمانان نیز از تفتیش عقاید دیگران نهی شده‌اند: «... وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا...» (نساء: ۹۴). حق بر آزادی عقیده در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است (ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر). باورهای اعتقادی اشخاص و آزادی عقیده انسان‌ها مورد تأیید عقل و نقل است. باورهای اعتقادی اشخاص، قسمت شکل‌دهنده و فاعلی شخصیت ایشان است. از این رو، احترام به باورهای اعتقادی اشخاص، در حقیقت احترام به شخصیت و کرامت ذاتی انسان محسوب می‌شود. از آنجاکه عقیده هر شخص، جزء لاینفک شخصیت اوست، هرگونه تصمیم‌گیری در خصوص تمامیت شخصیتی هر کس حق اوست. بنابراین، اصولاً دخل و تصرف در داده‌های حاوی عقاید هر شخص، در اختیار و سلطه تام اوست و تحصیل، پردازش و انتشار داده‌های مزبور، بدون اخذ رضایت او، تعدی به حوزه و قلمرو شخصیتی اوست (اصلانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳). اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تفتیش عقاید را ممنوع اعلام کرده است. بند اول این اصل، ممنوعیت تفتیش عقاید را اعلام داشته و بند دوم، تعرض و مواخذه افراد، به دلیل داشتن عقیده خاص را ممنوع کرده

است. «تفتیش» در لغت، به معنای واپژوهیدن و واریسی کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۳۸، ص ۲۰۷). بازرسی و پرس‌وجو در مورد افکار و عقاید افراد در این اصل قانون اساسی، ممنوع اعلام شده است.

گاهی افکار و نظراتی که اشخاص در مسائل مختلف دارند، در قالب رأی‌گیری‌ها نمود خارجی پیدا می‌کند. بنابراین، احترام به حریم خصوصی انسان اقتضا می‌کند در جایی که رأی‌گیری‌ها به صورت محرمانه محقق می‌شود، افشای رأی شخص را، نوعی تعرض به حریم خصوصی شخصیتی فرد تلقی نمود. ماده هفتم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۶۹/۱۲/۹ به مخفی بودن رأی‌گیری تصریح کرده است.

خصوصیات اخلاقی و سلیق فردی

افراد به تناسب ویژگی‌های ژنتیکی، استعدادهای فردی، محیط پرورش، آداب، رسوم، فرهنگ و محل زندگی و سایر عوامل مؤثر در اخلاق، دارای ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی منحصر به فرد می‌باشند. به تناسب این خصوصیات اخلاقی، سلیق و علایق ایشان نیز متفاوت است. افشا و تمسخر خصوصیات اخلاقی افراد، نقض صریح حریم خصوصی معنوی ایشان است که به حیثیت و آبروی ایشان لطمه وارد می‌سازد. فقه شیعه، برای هر امر حرام و خلاف شرع، که مجازات حد برای آن تعیین نشده باشد، تعزیر مقدر نموده است. علایق و سلیق فردی اشخاص نیز جزء حریم خصوصی شخصیتی ایشان است. تمسخر افراد، به‌خاطر ویژگی‌های شخصیتی یا عادات فردی در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ» (حجرات: ۱۱) به صراحت مورد نهی واقع شده است. نهی نیز ظهور در حرمت دارد. قانونگذار در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، توهین را جرم تلقی کرده است و تمسخر اشخاص، توهین به ایشان است. ازاین‌رو قانونگذار با وضع تعزیر، از حریم خصوصی شخصیتی افراد حمایت نموده است.

یکی از شیوه‌های نوین نقض حریم خصوصی افراد، از طریق سایت‌های تجاری محقق می‌گردد. برخی سایت‌ها برای فروش جنس خاص و یا ارائه خدمات ویژه، از کاربر تقاضای تکمیل فرمی را می‌کنند که مشتمل بر بیان سلیق و علایق فردی ایشان است. در این سیستم‌ها، پس از اینکه علاقه شخص مثلاً به موسیقی سنتی احراز شد، به طرق مختلف با ارسال بسته‌های پیشنهادی حاوی کاتالوگ، انواع Cd های معرفی محصولات، وی را دعوت به خرید می‌کند. حتی گاه شرکت‌ها با جمع‌آوری و دسته‌بندی افراد براساس علایق و سلیق، اقدام به

فروش این اطلاعات می‌کنند (محسنی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۲). لازم است قانونگذار قواعد منظمی در خصوص نحوه جمع‌آوری، استفاده و فروش اطلاعات به‌دست‌آمده راجع به اشخاص را وضع کند. به این ضرورت، در مواد ۲۸ الی ۳۹ طرح حمایت از حریم خصوصی پرداخته شده است.

حریم خصوصی جنسی

حق بر حریم خصوصی، فضایی را برای اشخاص تضمین می‌کند که در چارچوب آن بتوانند روابط مختلفی را با دیگران، از جمله روابط جنسی برقرار سازند. بر این اساس، تمامی امور مربوط به جنسیت و روابط جنسی اشخاص، جزء خصوصی‌ترین امور ایشان تلقی می‌گردد. بر مبنای اومانیسیم و قرارداد اجتماعی، همه امور مربوط به روابط جنسی اشخاص، تا جایی که به آزادی دیگران لطمه‌ای وارد نسازد و با رضایت طرفین باشد، جزء حریم خصوصی بوده و اشخاص در این قلمرو، آزادی عمل دارند. دادگاه اروپایی حقوق بشر، در پرونده دوجن علیه بریتانیا، بر این اصل در رابطه با همجنس‌بازی صحه نهاد؛ بدین مضمون که رفتار جنسی خصوصی را، که اصل بنیادینی از فضای شخصی فرد است، نمی‌توان صرفاً به این دلیل که ممکن است موجب آزار و اذیت دیگران شود، منع نمود. در چنین مواردی، حتماً باید جهت جدی و مشروعی وجود داشته باشد که توجیه‌کننده مداخله باشد. به نظر این دادگاه اروپایی، با توجه به معیارهای تساهل و گسترده‌اندیشی، جرم‌انگاری هرگونه رابطه جنسی، توأم با رضایت بین دو همجنس، مداخله غیرقابل توجیه در حیات خصوصی ایشان است (موالی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۴۵). اما بر مبنای دین محوری، دو گزاره را باید تفکیک نمود: نخست، نوع رابطه و طرفین یک رابطه جنسی و دوم، میزان و نحوه مداخله دیگران در روابط جنسی اشخاص. فقه امامیه، تنها اشخاصی را مجاز به برقراری رابطه جنسی می‌داند که توسط صیغه شرعی و رعایت سایر شرایط، به عقد نکاح یکدیگر درآمده باشند. چنین اشخاصی، حق برقراری رابطه جنسی با یکدیگر دارند و هیچ‌کس نمی‌تواند از حق ایشان ممانعت به عمل آورد. اما اشخاصی که با رعایت شرایط فقهی، علقه زوجیت برقرار نموده‌اند، حق برقراری این‌گونه روابط را ندارند و هرگونه رابطه ایشان «حرام» می‌باشد.

راجع به گزاره دوم نیز باید گفت: دین اسلام و فرهنگ تشیع از باب پاسداشت آبرو و حیثیت افراد، هرگونه تعرضی به حریم خصوصی جنسی افراد را محکوم می‌کند، هرچند نوع رابطه ایشان «حرام» و «خلاف شرع» باشد. هرگونه تحقیق در این زمینه ممنوع است و از مصادیق نهی

«لاتجسسوا» می‌باشد. هرگونه پی‌جویی و یا افشاگری روابط حرام جنسی اشخاص، جرم بوده و قابل تعزیر و حتی در مواردی حد می‌باشد.

تحقیقات مقدماتی که توسط دادگاه‌ها در این خصوص انجام می‌گیرد، باید کاملاً محرمانه باشد، به نحوی که آبرو و حیثیت و شرافت خانوادگی افراد خدشه‌دار نشود. تبصره ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری سابق و ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ هرگونه تحقیق و تعقیب در جرایم منافی عفت را ممنوع اعلام کرده است. البته این ممنوعیت در مواردی که نافی حقوق اشخاص زیان‌دیده باشد، تخصیص خورده است. قانونگذار نیز دخالت و کیل تسخیری در جرایم منافی عفت را مشروط به رضایت شخص متهم دانسته است (تبصره یک ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری سابق). قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه، پیشرفت‌های خوبی داشته است. بررسی آن نیازمند تحقیقی مستقل می‌باشد. با این حال، اشاره به برخی از این حمایت‌ها، نظیر ممنوعیت ارائه اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت به شاکی (تبصره دو ماده ۱۰۰) و همچنین ممنوعیت تصویر از چنین اسنادی (تبصره ماده ۳۵۱)، ممنوعیت اعلام علت حضور در احضاریه‌های عادی (ماده ۱۷۰) و احضاریه‌های منتشره، در روزنامه‌های محلی یا ملی (ماده ۱۷۴)، در مواردی که حیثیت اجتماعی متهم جریحه‌دار می‌شود، صدور قرار غیرعلنی بودن محاکمه در جرایم منافی عفت (ماده ۳۵۲) و ممنوعیت ابلاغ دادنامه در موارد جرایم منافی عفت، در مواردی که اطلاع شاکی از برخی مفاد دادنامه حرام باشد (تبصره دو ماده ۳۸۰)، می‌تواند مکمل این بحث باشد.

در اسلام، انتساب هرگونه وصفی به افراد تحت عناوین زنا، لواط و یا مساحقه، بدون اینکه در محکمه به اثبات برسد، واجد وصف مجرمانه قذف خواهد بود. روح حاکم بر سختگیری در ادله اثبات این‌گونه اتهامات، در منابع فقه شیعه و گذاردن ضمانت اجرای قوی برای هرگونه اتهام‌زنی بی‌مورد، بیانگر این است که هیچ‌کس حق ندارد تحت هیچ‌عنوانی، وارد حریم خصوصی جنسی افراد گردد.

چگونگی رفتار جنسی بین زوجین نیز از دیگر مصادیق حریم خصوصی جنسی است. ایشان حق دارند، به هر نحو که تمایل داشته باشند، با شریک جنسی خود رفتار نمایند. اما باید دقت داشت که هریک از زن و شوهر، به اعتبار شخصیت مستقلی که دارند، می‌توانند در صورت عدم تمایل به انجام عمل جنسی، دیگری را از دخالت در حریم خصوصی جنسی خود مطلع کنند. اگرچه در فقه امامیه، تمکین خاص زوجه به زوج، از جمله حقوق زوج شمرده شده است (نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۰۳). اما

در بسیاری موارد نیز که عادتاً زنان از انجام وظایف زناشویی امتناع دارند، وادار کردن ایشان به انجام عمل زناشویی مکروه تلقی شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۴۱). حکم فقه مبنی بر تکلیف زن به اجابت شوهر در هر شرایطی، را می‌توان مستند به قرارداد نکاح دانست. از سوی دیگر، هرگاه زنی پیش از اتمام ۴ ماه نیاز خود به برقراری رابطه زناشویی را اعلام نماید، مرد مکلف است که درخواست او را اجابت کند (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۰۴).

اختیار در توالد و تصمیم‌گیری راجع به بچه‌دار شدن و یا عقیم‌سازی، از جمله مواردی است که در دادگاه ایالات متحده آمریکا از مصادیق حریم خصوصی جنسی شمرده شده است (فهیم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۸۹). حق داشتن بچه و پدر یا مادر شدن، از جمله حقوق انسانی است که نقض آن از جانب هیچ شخص و یا مقامی قابل پذیرش نیست. به نظر می‌رسد، اگرچه تصمیم‌گیری در مورد توالد جزء حق خلوت و از امور کاملاً شخصی است، اما سقط جنین، که تعرض به حیات شخص ثالث است، به هیچ وجه قابل دفاع نمی‌باشد. پیش از انعقاد نطفه، شخص ثالثی بوجود نیامده است تا حقی وجود داشته باشد، اما پس از انعقاد نطفه و تکون جنین، شخص انسانی ثالثی به وجود می‌آید که دارای حق حیات است و نمی‌توان این بنیادی‌ترین حق او را به بهانه حق خلوت مادر نادیده انگاشت.

حریم خصوصی مراسم شخصی

مراسم خصوصی که افراد تحت عناوین مختلف برگزار می‌کنند و یا در آنها شرکت می‌کند نیز از مصادیق حریم خصوصی تلقی می‌شود. جشن تولد، مجلس ازدواج، مهمانی شبانه و حتی مراسم سوگواری، مراسم‌هایی هستند که معمولاً افرادی که به آنجا دعوت می‌شوند، احساس قربایت و نزدیکی خاصی به یکدیگر دارند. ممکن است برخی حریم‌ها را که در محافل عمومی و رسمی رعایت می‌کنند، در آن مراعات نکنند. تهیه عکس، فیلم و یا گزارش از زمان، مکان و نحوه حضور و مکالمات جلسه و... بدون رضایت افراد شرکت‌کننده در مراسم، تعرض به حریم خصوصی ایشان می‌باشد. انتشار فیلم، عکس یا گزارش آن، تعرض به این حریم است.

طرح حمایت از حریم خصوصی نیز به صورت ناقصی از این مراسم‌ها حمایت کرده است. ماده ۴۷ این طرح، صرفاً «ورود عوامل رسانه‌های همگانی» به جلسات غیررسمی و غیرعلنی را ممنوع اعلام کرده است. ماده ۵۳ این طرح نیز اگرچه به بیان شرایط و ضوابطی برای فیلمبرداری از مراسم خصوصی می‌پردازد، اما فقط در مورد «رسانه‌ها» قابل اعمال است. این طرح، در مورد فیلم و عکس‌هایی که توسط افراد عادی تهیه می‌گردند، سکوت نموده است. لازم است این نقیصه پیش از تصویب طرح مرتفع گردد.

نتیجه‌گیری

مفهوم «حریم خصوصی» از جمله مفاهیم مرتبط با حقوق بشر است که در اسناد بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته است. حریم خصوصی معنوی اشخاص، آن قسمت از قلمرو و محدوده‌ای از اعمال و ویژگی‌های هر شخص است که ناظر بر شخصیت و هویت شخص است و برای عموم آشکار نبوده، و وی نیز تمایل به افشای آن نداشته و در صورت افشا، شخصیت او آسیب می‌بیند. اشخاص هیچ‌گونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر، واکنش نشان می‌دهند. هر امری را که افشای آن موجب از بین رفتن حیثیت و آبروی افراد شود، باید جزو حریم خصوصی معنوی فرد دانست. معیار مورد پذیرش در فقه امامیه برای مصداق‌انگاری حریم خصوصی، معیار و ضابطه شخصی می‌باشد. در حالی که فقه امامیه از مصادیق این حق حمایت کاملی نموده است، این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صورت مستقل شناسایی نشده و در قوانین عادی نیز علاوه بر عدم شناسایی کامل، تضمینات کافی برای حمایت از آن پیش‌بینی نشده است. شناسایی ناقص برخی مصادیق این حق، با عنایت به کلی بودن و در نظر نداشتن پیشرفت‌های تکنولوژیک بشری در قوانین موجود، نقص غیرقابل دفاعی در قوانین به وجود آورده است که لازم است با تصویب قانون جامعی در این زمینه، این نقص جبران گردد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
- احمدی میانجی، علی، بی تا، «تجسس حلال و تجسس حرام»، *نور علم*، ش ۹، ص ۴۵ - ۵۶.
- اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۴، *حقوق فناوری اطلاعات*، تهران، میزان.
- انصاری، باقر، ۱۳۸۶، *حقوق حریم خصوصی*، تهران، سمت.
- انصاری، مرتضی، ۱۴۲۲ق، *مکاسب*، قم، دارالفکر اسلامی.
- تیمی آمی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۸، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
- شهباز قهفرخی، سجاد، ۱۳۹۲، «حریم خصوصی فیزیکی اشخاص در آئینه فقه امامیه و حقوق ایران»، *پژوهش های فقهی*، ص ۷۰-۵۵.
- صدر، سیدمحمدصادق، ۱۴۱۷ق، *ماوراء الفقه*، بیروت، دارالاضواء.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶ق، *مجمع البحرين*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عاملی (شهیدثانی)، ۱۳۹۰ق، *کشف الریبه فی أحكام الغیبه*، بی جا، دار المرتضوی.
- ، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، *الروضه البیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، کتابفروشی داورى.
- عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین، ۱۴۱۴ق، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البیت (ع).
- فراهیدی، عبدالرحمن، ۱۴۰۹ق، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامری، قم، دارالهجره.
- فهم زاده، مصطفی، ۱۳۸۴، *جایگاه حق خلوت در حقوق کیفری*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۲ق، *القاموس المحیط*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- کدیور، محسن، بی تا، «حریم خصوصی در نظام اسلامی»، در: <http://kadivar.com>
- محسنی، فرید و فریدون قاسم زاده، ۱۳۸۵، «حریم شخصی در فضای مجازی با تکیه بر حقوق ایران»، *شریف*، ش ۳۴، ص ۲۱ - ۳۰.
- مراغی، سید میر عبد الفتاح، ۱۴۱۷ق، *العناوین الفقهیة*، قم، نشر اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۲۴، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیرکبیر.
- موالی زاده، سید باسّم، ۱۳۸۵، *بررسی تطبیقی حق حریم خصوصی در استاد و رویه های بین المللی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۴، *تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

نجفی، محمدحسن، بی تا، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ورام بن ابی فراس، مسعودبن عیسی، ۱۰۴۱ق، *تنبيه الخواطر و نزاهة النواظر المعروف بمجموعه ورام*، قم، مکتبه فقیه.

Decew, Judis, 1998, *In Pursuit Of Privacy Law Ethics And Rise Of Fechnologye Ithaca*, Cornell University Press.

Fernando, Volio, 1981, legal personality privacy and the family in henken the international bill of rights, Columbia university press.

Waren, Samuel & brandies louis, *The Right of privacy*, aviliable at: <http://www.lawrence.edu/fast/boardmaw/privacy-barnd-warr2.htm>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی